[صد و سی و پنج]

> در اصل توسط **Hosein-** نوشته شده است
> [illegible]

این سخن شما در موردی است که هویت چیزی مورد تحدی، مبهم باشد، مثلا بگویند مثل یک مرکب بیاور، اینجا جا دارد بپرسد آیا منظور از مرکب چه نوع مرکبی است؟ و از چه جهت، مثلیت منظور است؟ آیا هواپیما یا کشتی یا ماشین یا.. منظور است؟ چرا بحث هویت شخصیتی پسین را جلو انداختم؟ برای همین منظور بود که هویت شخصیتی از حیث هویت، ابهام ندارد، و عرض کردم حتی اگر نسبت به کلیاتی که صبغه کلیت در آنها روشن است مثل بدن انسان، و آن هم کلیت پسینی، که ظاهرا در اثر تجربی به دست میاید، باز بتوانیم نگاه هویت شخصیتی بکنیم، میتوانیم بدون ذکر جهت خاص، بگوییم مثل بدن بیاور، و میتوان بحث وضع عام موضوع له عام که اصولیین میگویند با نگاهی دیگر به وضع خاص موضوع له خاص برگرداند.

هر هویتی یک مشخصه بارز دارد که از آن صرف نظر نمیشود، مثلا اگر کسی بگوید مثل دیوان حافظ بیاور، و کسی یک کتاب نثر آورد به او میگویند این که مثل دیوان حافظ نیست، و لذا اگر منظورشان مطالب عرفانی حافظ باشد تصریح میکنند که مثل حافظ در عرفانیات بیاور، اما اینکه فرمودید: «شما می فرمایید اگر راست می گویی یک کلام مثل این بیاور؟ بنده طبیعی است که بپرسم از چه جهت مثل این؟» آیا اگر بگویند مثل حافظ بیاور، و اصلا این سؤال مطرح نشود که از چه جهت مثل آن بیاور، درخواست و تحدی عبث و سفهی است؟ ظاهرا مشکلی ندارد، بلکه عرفی است، چرا؟ چون هویت مبهم ندارد، و تحدی به هویت او شده است، تا بعدا موازنه و محاجه صورت گیرد.

بلی این هست که اساسا مثلیت را نمیتوان از وجه شبه جدا کرد، پس «مثل این بیاور» در بطن خود وجه شبهی لامحاله دارد، ولی غیر از این است که قوام تحدی به ذکر وجه شبه باشد، و هر چند معروف است که تحدی قرآن برای مشرکین در آوردن کلام فصیح و بلیغ مثل قرآن است، اما به گمانم در قبل و بعد آیات تحدی، نکاتی است که میتوان وجه شبه در مثلیت را فهمید، و میتوان گفت نوعا وجه شبه در تحدی، مسأله فصاحت و بلاغت کلامی نیست هر چند شرط کار است، مثلا در آیه ۴۹ و ۵۰ از سوره مبارکه قصص، محور میشود هدایت که مطلوب فطری همه بشر است، و سپس اشاره میکند که رمز اینکه نمیتوانند مثل توراة و قرآن بیاورند چون مسأله مسأله هوای نفس است، در آیه ۵۰ فاء تفریع آمده است، و قبلا در پست ۹۸ فاء در آیه ۱۳ سوره هود فإن لم يستجيبوا لكم فاعلموا.. را توضیح دادم، اما آیه سوره قصص:

> [illegible]

> **28|49|قل فأتوا بكتاب من عند الله هو أهدى منهما أتبعه إن كنتم صادقين ، فإن لم يستجيبوا لك فاعلم أنما يتبعون أهواءهم ومن أضل ممن اتبع هواه بغير هدى من الله إن الله لا يهدي القوم الظالمين[1]**

در هر دو سوره هود و قصص، با فاء تفریع، اشاره به رمز عدم توانایی شده است:

> **11|13|أم يقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتريات وادعوا من استطعتم من دون الله إن كنتم صادقين ، فإلم يستجيبوا لكم فاعلموا أنما أنزل بعلم الله وأن لا إله إلا هو فهل أنتم مسلمون[2]**

در سوره قصص، مربوط به انگیزه است، وقتی هدف تابع هوای نفس باشد، ممکن نیست بتواند با هدف الهی تابع امر خدا، مقابله کند، و در این جهت، تورات هم مثل قرآن است، و در سوره هود، مربوط به قصور علمی است، چون پشتوانه قرآن کریم علم خداوند متعال است، ممکن نیست مخلوق که آن پشتوانه علمی را ندارد بتواند مثل قرآن بیاورد، و از این جهت هم هر چند تورات پشتوانه علم الهی دارد اما چرا خداوند به تورات تحدی نکرده است؟ اینجاست که مسأله تدوین نگاشتی مطرح می‌شود، و حروف مقطعه که در تورات نیست نقش احکام و تفصیل را تبیین می‌کند، و تدوین اخباری برای غیر محیط به تکوین هم ممکن است، نظیر انباء حضرت آدم ع به ملائکه، **«أنبئهم بأسمائهم»**، نه: علّمهم، اما در مورد خود آدم ع: **«علّم آدم الاسماء»**، و احاطه در تدوین نگاشتی نیاز است، و در سوره یونس به مسأله احاطه علمی اشاره شده است، که قبلا در پست ۹۸ توضیحات بیشتری عرض کردم:

> **10|37|وما كان هذا القرآن أن يفترى من دون الله ولكن تصديق الذي بين يديه وتفصيل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين ، أم يقولون افتراه قل فأتوا بسورة مثله وادعوا من استطعتم من دون الله إن كنتم صادقين ، بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه ولما يأتهم تأويله كذلك كذب الذين من قبلهم فانظر كيف كان عاقبة الظالمين[3]**

در سوره یونس و هود به مسأله افتراء هم اشاره شده است، یعنی گاهی خود سخن را نسبت به خدا دادن، و از زبان خدا حرف زدن، مؤنه بسیار زیادتری می‌خواهد، و لذا می‌گوید شما اگر می‌توانید اینچنین افتراء بیاورید، و با تاکید بر این جهت شاید در آیه سوره مبارکه طور تعبیر حدیث آمده و جهت مماثلت یک جهت بیرونی است که افتراء باشد:

> **52|33|أم يقولون تقوله بل لا يؤمنون فليأتوا بحديث مثله إن كانوا صادقين[4]**

بلکه اساسا شک و ریب در قرآن به همین کلام خدا بودنش برمیگردد، در آیه ۲۳ سوره مبارکه بقره تعبیر ریب آمده، و فاء تفریع در آیه بعدی انگیزه تحدی را این قرار میدهد که خالصه اگر عمال دیدی که نتوانستید پس به فکر معاد و آخرت خود باشید که آن تحدی مربوط به مخاطب جستجوگر حق میشود:

> **2|23|وإن كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة من مثله وادعوا شهداءكم من دون الله إن كنتم صادقين فإن لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة أعدت للكافرين[5]**

این مربوط به آیاتی که رسما در مقام تحدی است، اما آیات زیادی است که کارآمدی قرآن کریم را بیان میکند که به نحوی میتوان آنها را در زمره آیات تحدی آورد، و همچنین روایاتی که شئونات و مقامات قرآن را توضیح میدهد، مثل:

> **13|31|ولو أن قرآنا سيرت به الجبال أو قطعت به الأرض أو كلم به الموتى بل لله الأمر جميعا[6]**
>
> **59|21|لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون[7]**
>
> **56|75|فلا أقسم بمواقع النجوم وإنه لقسم لو تعلمون عظيم إنه لقرآن كريم في كتاب مكنون لا يمسه إلا المطهرون تنزيل من رب العالمين أفبهذا الحديث أنتم مدهنون وتجعلون رزقكم أنكم تكذبون[8]**
>
> **25|33|لا يأتونك بمثل إلا جئناك بالحق وأحسن تفسيرا[9]**
>
> **5|83|وإذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا من الحق يقولون ربنا آمنا فاكتبنا**

> **مع الشاهدين[10]**

و... و همچنین تعابیر روائی مثل: «**له نجوم و علی نجومه نجوم**»، «**الحالّ المرتحل**»، «**أعلم ذلک من کتاب الله**»، «**لا تفنی عجائبه و لا تنقضي غرائبه**»، و..

---

[1] سورة القصص، آیه ۴۹

[2] سورة هود، آیه ۱۳

[3] سورة یونس، آیه ۳۷-۳۹

[4] سورة طور،آیه ۵۲

[5] سورة البقرة، آیه ۲۳-۲۴

[6] سورة الرعد، آیه ۳۱

[7] سورة الحشر، آیه ۲۱

[8] سورة الواقعة، آیه ۷۵-۸۲

[9] سورة الفرقان،آیه ۳۳

[10] سورة المائدة، آیه ۸۳

بازبینی #1
ایجاد شده 13 آوریل 2025 16:35:33 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 آوریل 2025 16:37:14 توسط ... .